



دکتر فریدون سیامکنزاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌های برایمان باشد. یا خاطره‌های را از زمان‌های دور برایمان زنده کنند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌های باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

سه نوع مختلف بی‌بی‌چک را تکنیسین داروخانه جلوی چشم گذاشت و قیمت هر کدام را هم گفت. خانم بر خلاف دیگر مراجعه‌کنندگان نه تنها نگران نبود، بلکه با کمال خونسردی ارزان‌ترین نوع بی‌بی‌چک را انتخاب کرد و رفت!

یادداشت ۳

چهره نگرانی داشت. یک پماد برای زخم اطراف مقعد بچه اش می‌خواست. با چند سؤال مشخص شد که بچه اش دو سال دارد و به دلیل اسهال شدید در بیمارستان بستری است و دارو را هم برای همان بچه می‌خواهد. اول تعجب کردم و سؤال کردم که چطور مریض بستری در بیمارستان را، داروهایش را از داروخانه می‌خواهید؟

پاسخ داد: من نظر دکترهای داروساز را برای دارو درمانی بیشتر از پزشکان قبول دارم. در ثانی در این روزهای تعطیل (روزهای بین تعطیلات نوروز بود) اصلاً در بیمارستان به بیمار نمی‌رسند.

یک پماد گیاهی به ایشان دادم و رفت. دو روز بعد برای کار دیگری مراجعه کرد و از توصیه دارویی من کلی تشکر کرد و خانم دیگری هم که همراه ایشان بود، کلی ما را دعا کرد.

یادداشت ۴

تعطیلات نوروز تمام شده بود و رفته رفته پزشکان در مطب‌های خود حاضر شده بودند و نسخه‌های مختلف سرازیر داروخانه بود. دفترچه بیمه اش را مقابل من قرار داد و من مشغول واریسی شدم که کدام نسخه مربوط به روز مراجعه بیمار

یادداشت ۱

برای اندازه‌گیری درجه حرارت در داروخانه، دو نوع میزان الحرارة وجود دارد. یک نوع آن دماسنج دیواری است که در اتاق نصب می‌کنند و درجه حرارت محیط را مشاهده می‌کنند. البته، از این نوع دماسنج برای اندازه‌گیری داخل یخچال هم می‌توان استفاده کرد. معمولاً بازرسان داروخانه برای مشخص کردن درجه حرارت داخل یخچال از این دستگاه استفاده می‌کنند. نوع دیگر دماسنج هم دماسنج بدن است. هم جیوه‌ای دارد و هم دیجیتالی. نوع جیوه‌ای آن که به درجه تب هم معروف است، از همه مرسوم‌تر بوده و اندازه آن مشخص است. یعنی به اندازه‌های است که زیر زبان بیمار جا بگیرد. البته نوع رکتال آن هم وجود دارد. خانم مراجعه‌کننده به داروخانه درجه تب خواست و وقتی نوع دهانی آن را مشاهده کرد، گفت: بزرگ‌تر از این می‌خواهم و معلوم نبود برای چه کاری می‌خواهد و درجه تب چه کسی را می‌خواهد اندازه بگیرد؟!

یادداشت ۲

اکثر قریب به اتفاق کسانی که برای تهیه بی‌بی‌چک به داروخانه مراجعه می‌کنند، حالتی نگران و مضطرب دارند. البته، خانم‌های مراجعه‌کننده بیشتر از آقایان دچار این حالت هستند.

تمامی آن‌ها هم سعی می‌کنند بهترین نوع آن را تهیه کنند. البته چون دستور مصرف آن به‌طور کامل به شکل بروشوری داخل بسته‌بندی وجود دارد، ارایه آن خیلی وقت گیر نیست. خانمی به داروخانه مراجعه کرد و سراغ بی‌بی‌چک را گرفت.

در دسترس است. از همین قطره به ایشان دادم و گفتم باید هر ۴ تا ۶ ساعت یک قطره در هر چشم بچکاند. بلافاصله گفت که یک چشم بیشتر دچار مشکل نیست. به ایشان تذکر دادم که چشم‌ها از داخل با هم مرتبط هستند و اگر فقط یک چشم درمان شود، قبل از درمان کامل به آن چشم هم سرایت می‌کند.

یادداشت ۶

جلوی پیش‌خوان داروخانه که ایستاد، اول سؤال کرد که شیاف پیروکسیکام دارید؟ وقتی جواب مثبت شنید، قیمت دارو را سؤال کرد. وقتی پاسخ این سؤالش را هم شنید، دو عدد پنج هزار تومانی نو، ولی می‌چاله شده داخل دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: همه اش را شیاف پیروکسیکام بدهید. خانمی حدوداً پنجاه ساله بود که همراه پسر تقریباً شانزده ساله اش به داروخانه مراجعه کرده بود. یکی از بسته‌های شیاف را باز کرد و خطاب به من گفت: من برای بزرگسال می‌خواهم، لطفاً شیاف بزرگ‌تر بدهید. به ایشان توضیح دادم که شیاف‌ها همه یک اندازه ساخته می‌شوند و فقط تفاوت بزرگسال و بچه، در میزان ماده مؤثره آن است. البته، شیاف پیروکسیکام فقط برای بزرگسال است.

است. کند و کاوم که تمام شد و نسخه مربوطه را پیدا کردم، دیدم قرص هیدروکورتیزون و با کمال تعجب آمپول B2 در نسخه بیمار نوشته شده است. پزشک خانم دکتری بود. به حامل نسخه گفتم که چنین آمپولی هیچ وقت وجود نداشته است. لطفاً به پزشکتان اطلاع دهید که این دارو هیچ‌گاه نبوده و از ایشان سؤال کنید از کجا آمپول B2 را پیدا کرده اند که در نسخه نوشته اند؟

مراجعه‌کننده گفت نمی‌شود به بیمه‌ها بگویید که به پزشکان این چنینی تذکر دهند؟ به ایشان گفتم: بیمه‌ها اگر پول داروخانه را به موقع بدهند، واقعاً دعاگویشان هستیم و تذکر به پزشکان پیشکش آن‌ها!

یادداشت ۵

بهار فصل گرده افشانی گیاهان است و اگر باد هم بوزد، این عمل گیاهان با پراکندگی و گستردگی بیشتری انجام شده و برای افراد می‌تواند مشکل ساز شود. بعضی اوقات که باد بدون نم نم باران بوزد، گرد و خاک هم با مخلوط شدن گرده‌های گیاهی مزید بر علت شده و موجب مشکلات تنفسی و گاهی چشمی می‌شود. خانمی برای مشکل چشمی ناشی از مسایل گفته شده، برای شستشوی چشم محلول می‌خواست. محلول فوق به‌صورت قطره استریل تولید شده و